

خطای راهبردی سفرای روسیه و انگلیس در انتشار یک عکس
خشم عمومی ایرانیان را برانگیخت. آیا آنها پیام را دریافت کرده‌اند؟

قاب آخر

صفحه ۲ را بخوانید



همه‌سازد جمهور

گفت‌وگو با مردم و حضور میدانی رئیس جمهور چگونه به جامعه آرامش تزریق می‌کند

علی سلیمانی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون بر اثر کرونا در گذشت

بدرود آقای حسینچی



گزارش «فرهنگستان» از جزئیات ثبت‌نام و تحصیل در رشته‌های بدون آزمون در دانشگاه آزاد

امسال ۸۳۰ هزار و ۲۳۰ نفر براساس سوابق تحصیلی پذیرش می‌شوند

در خانه همسایه شرقی چه خبر است؟

طالب افغانستان ناآرام



آمریکا از طریق این کشور به طالبان پیام ارسال کرده‌اند. از سوی دیگر با قدرت گیری طالبان در افغانستان از آنجا که این گروه تا حد زیادی مرتبط با پاکستان شناخته می‌شود، جایگاه این کشور در چشم کشورهای دیگر به عنوان قدرتی اثرگذار بالاتر می‌رود؛ پاکستان به چنین جایگاهی برای کسب دستاوردهایی به خصوص در حوزه مالی و اقتصادی نیاز دارد. چه اینکه از مسیر حمایت از طالبان همکاری مشترکی را با عربستان داشته و دارد و از همین راه به دستاوردهای اقتصادی زیادی رسیده است. سعودی‌ها نیز دارای اهداف چندگانه‌ای در افغانستان هستند. این کشور محیط مناسبی برای پرورش افکار وهابی است که سعودی‌ها از مسیر آن قادر خواهند بود با تزریق وهابیت به افغانستان، محیط پیرامونی این کشور به خصوص در چین و آسیای میانه را تحت تاثیر قرار دهند؛ مساله‌ای که افزایش قدرت و نفوذ ریاض در چارچوب ژنی‌های بین‌المللی در مقابل قدرت‌هایی چون چین و روسیه در پی دارد. این نفوذ همچنین می‌تواند برای آمریکا مهم تلقی شده و واشنگتن را برای مهار پکن و مسکو نیازمند ریاض سازد.

به جز موارد فوق افکار وهابی دارای زائده‌هایی است که در قالب گروه‌های تروریستی جلوه گر می‌شود. چنین گروه‌هایی گرچه توسط سعودی‌ها به وجود می‌آیند، اما به دلیل ویژگی‌هایی که دارند از نقطه‌ای به بعد از مدار خارج شده و غیرقابل کنترل می‌شوند. در اینجا اگر این گروه‌ها در منطقه و نزدیکی عربستان حضور داشته باشند، آتش‌شان می‌تواند دامنگیر خود سعودی‌ها نیز بشود، چه اینکه القاعده و داعش نیز در صورت ادامه یافتن کارشان بالاخره به جایی می‌رسند که به عربستان نیز ضربه بزنند. افغانستان مکان مناسبی برای دورریز چنین گروه‌هایی است. یک گروه تروریستی توسط ریاض ایجاد می‌شود و آنگاه که غیرقابل کنترل شد از یمن، عراق یا سوریه به افغانستان منتقل می‌شود تا آسیب‌هایش دامنگیر مرز و جامعه سعودی نشود. عربستان همچنین قصد دارد با ورود به افغانستان مانع از شکل‌گیری روابط میان دولت و مردم این کشور با ایران شود و از طریق این اقدام، مواهب اقتصادی صادرات به افغانستان را از دست ایران خارج کند. همچنین ورود پناهندگان به ایران باعث خواهد شد تهران هزینه‌های دیگری را نیز متحمل شود. از بعد امنیتی ناامن شدن افغانستان و رشد تروریست‌ها در آن می‌تواند به بروز ناآرامی‌هایی در مناطق شرقی ایران بینجامد. سعودی‌ها در صورت در اختیار گرفتن جای با در افغانستان و انتقال تروریست‌ها به آن، می‌توانند از این نقطه به عنوان یک ایستگاه برای ارسال و پشتیبانی از تروریست‌ها و تجزیه طلبان استفاده کنند.

شاید اولویت پاکستان ناآرام‌سازی مرزهای ایران در کوتاه‌مدت نباشد، اما اگر ریاض چنین خواسته‌ای داشته باشد، این کار در تضاد با منافع پاکستان نخواهد بود. پاکستان دارای منافع راهبردی در ارتباط با افغانستان است که برخی از آنها از لحاظ وجودی برای اسلام‌آباد دارای اهمیت هستند. ۹۰ درصد از جمعیت این کشور در نزدیکی مرزهای هند، که دشمن اصلی پاکستان است، سکونت دارند. با توجه به حداقل سه جنگ بزرگ میان این دو کشور و تهدید وجودی هند علیه پاکستان، اسلام‌آباد به دنبال عمق راهبردی است. حضور ۹۰ درصد از جمعیت پاکستان در نزدیکی مرز هند به این معناست که در صورت بروز درگیری، تمام مناطق مهم شهری، تاسیسات و جمعیت این کشور تحت فشار ارتش هند قرار گرفته و از هم پاشیده خواهند شد. از این رو پاکستان بخش‌های از منطقه «پشتونستان» که مورد ادعای افغانستان قرار دارد را به خاک خود الحاق کرده است. به همین دلیل اسلام‌آباد می‌داند اگر دولتی قدرتمند و غیرهمسو با پاکستان در کابل برسر کار بیاید، به دنبال زنده کردن ادعاهای ارضی دربار پشتونستان خواهد رفت. از سوی دیگر پاکستان عمق راهبردی به دست آمده تاکنون را کافی نمی‌داند و به دنبال کشاندن آن به داخل افغانستان و به ویژه جنوب این کشور است تا در صورت درگیری در این عمق علیه هند استفاده کند. اسلام‌آباد گرچه با پشتون‌ها انطباق کاملی نداشته و حتی با «طالبان پاکستان» نیز درگیر شده است، اما می‌داند در صورت تهاجم هند به پاکستان این گروه‌ها از جمله پشتون‌های افغانستان براساس تعصب دینی به کمک پاکستان خواهند آمد تا این کشور مسلمان موجودیت خود را در برابر هند به عنوان کشوری غیرمسلمان حفظ کند.

پاکستان به جز ایجاد عمق راهبردی در خاک افغانستان برای حفظ موجودیت خود و خاموش کردن ادعاها دربار پشتونستان، قصد دارد از مسیر افغانستان وارد معادلات منطقه‌ای شود. پاکستان از جنوب با هند، از شرق با چین و از غرب با ایران روبه‌رو است و به دلیل قدرت دولت مرکزی و نیروهای مسلح این سه کشور نمی‌تواند از این سه سمت، منفذی برای پیگیری نفوذ منطقه‌ای خود پیدا کند. حضور در افغانستان باعث می‌شود تا پاکستان نیز وارد معادلات شود، چه اینکه پاکستان واسطه دیدار چین با مقامات طالبان بوده و پیش از این نیز مقامات

در خانه همسایه شرقی چه خبر است؟

طالب افغانستان ناآرام

زندگی می‌کنند. این مساله حاکی از پیوند منافع و امنیت روسیه و آسیای میانه است و نشان می‌دهد بحرانی شدن این منطقه چه تاثیری بر منافع مسکو دارد. تهران نیز در مرزهای شرقی خود نگران هجوم سیل مهاجرانی است که برای یافتن مکانی امن به ایران خواهند آمد یا از به عنوان محل عبوری برای رسیدن به اروپا بهره خواهند جست. همچنین افغانستان یکی از بازارهای بزرگ صادراتی ایران است و نیمی از واردات افغانستان از سمت ایران صورت می‌گیرد. از سوی دیگر ملتشد شدن وضعیت در مرزهای شرقی می‌تواند به فعال شدن مجدد گروه‌های جدایی طلب و تروریست در شرق ایران بینجامد.

البته این مساله به خودی خود مرتبط با طالبان نیست، گرچه در دوران تسلط این گروه بر افغانستان طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ این کشور به پناهگاه تروریست‌های القاعده و حتی گروه‌های افراط‌گرای ازبکستانی تبدیل شده بود، اما این مساله به تنهایی تمام مشکلی نیست که در افغانستان جریان دارد، بلکه از اساس بروز بی‌ثباتی و تعویض حکومت می‌تواند به دوره‌ای از زد و خورد‌ها منجر شود که این مساله می‌تواند تبعات سنگینی برای کشورهای دیگر ایجاد کند. به عنوان نمونه شاید طالبان گذرگاه‌های مرزی با ایران را ببندد و حتی علاقه‌مند به ادامه کار آنها باشد، اما جنگ و درگیری در این کشور با ناامن شدن شهرها و مرزها باعث کاهش مبادلات اقتصادی خواهد شد و ضررهایی را متوجه صادرات ایران به افغانستان خواهد کرد. آمریکا حالا که در حال فرار است، می‌خواهد از نمد همین شکست نیز کلاه می‌سازد. سه کشوری که چالش‌های اصلی واشنگتن در جهان هستند شامل چین، روسیه و ایران در سطحی درگیر بحران افغانستان خواهند شد.

پاکستان و عربستان

چه از جان افغانستان می‌خواهند؟

درگیری‌های افغانستان در چند دهه اخیر شاهد حضور ائتلاف گاهی متجسم و گاهی ضعیف پاکستان-عربستان بوده است. هرکدام از این دو کشور دارای منافع در افغانستان هستند که برخی از این منافع مشترک ولی برخی دیگر غیرمشترک هستند. البته باید توجه داشت اهداف غیرمشترک این دو بازیگر نیز الزاماً در تضاد با منافع شریک دیگر نیست. به عنوان مثال

درگیر شده بودند. این نیروها پس از اشغال افغانستان توسط آمریکا به شکلی هدفمند تضعیف شدند. فردی مانند «احمدشاه مسعود» تنها چند روز پیش از حادثه مشکوک ۱۱ سپتامبر ترور شد و پس از اشغال نیز بسیاری از جهادی‌ها در انزوا و تحت فشار قرار گرفتند.

در سایه عدم وجود دو عنصر بازدارنده «ارتش» و «جهادی‌ها» چه گروهی می‌تواند در برابر پیشروی‌های طالبان در افغانستان مقاومت کند؟ آمریکا کسه این دو عنصر را تضعیف کرده، خود با انعقاد قراردادی با طالبان به دنبال فرار از این کشور است. خروجی که از سوی کارشناسان «خروج غیرمسئولانه» نام گرفته است. کاخ سفید به خوبی می‌داند نتیجه خروج غیرمسئولانه‌اش از افغانستان در سایه تضعیف دو عنصر بازدارنده در مقابل طالبان چیست، اما با در نظر گرفتن اهدافی دست به این کار زده است. واشنگتن حالا که دست خود را از افغانستان کوتاه شده می‌بیند، به دنبال آن است که از همین شکست نیز پدیده‌ای در راستای منافعش بسازد. به همین دلیل قصد دارد با از هم پاشیدن شیرازه افغانستان، قدرت نرم آمریکا تاحدی استحکام یابد، زیرا در این صورت دیگران خواهند گفت در زمان حضور آمریکا چنین جنایاتی در افغانستان شکل نمی‌گرفت؛ این در حالی است که طبق نقشه، ایجادکننده فضای جنایات آتی، خود آمریکا است. در سوی دیگر در صورت بحرانی شدن اوضاع در افغانستان، چین، روسیه و ایران هرکدام به شکلی درگیر یک مساله مهم امنیتی خواهند شد. چین یک استان دو میلیون کیلومتر مربعی با نام سین کیانگ دارد که ساکنانش اوغورهای ترک‌تبار مسلمان هستند. عقاید این گروه گرایشانی شدید به سمت افراطی‌گری را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که هزاران تن از تروریست‌های اوغور در حال حاضر در شمال سوریه به مبارزه با دولت این کشور مشغول هستند. این استان منفذ غربی چین برای شکستن حصار ژئوپلیتیکی‌اش و همچنین مسیری برای گذر کردن راه‌های اصلی طرح «یک کمربند یک جاده» است. این طرح در آینده چین را به اروپا و سرزمین‌های مابین این دو متصل خواهد ساخت.

روسیه نیز نگران منطقه آسیای میانه است که با وجود جدایی از مسکو همچنان دارای روابط اقتصادی، نظامی و سیاسی خاص با این کشور هستند. میلیون‌ها روس در آسیای میانه و همچنین میلیون‌ها تبعه کشورهای آسیای میانه در روسیه



سید مهدی طالبی
روزنامه‌نگار

طالبان روز پنجشنبه شهر هرات را به تصرف درآورد و روز گذشته نیز استان لوگر در نزدیکی کابل پایتخت افغانستان را نیز به کنترل خود درآورد. لوگر زادگاه اشرف غنی، رئیس‌جمهور این کشور است. در حال حاضر از ۳۰ مرکز استان در افغانستان ۱۸ مورد در دست طالبان و ۱۶ مورد دیگر تحت کنترل دولت مرکزی است. سقوط بی‌دری و شگفت‌آور ولایات افغانستان چشم‌ها را به سمت سه بازیگر بی‌ثبات‌ساز این کشور برده است؛ آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی که با طرح‌های خود در افغانستان، دولت این کشور و حتی طالبان را وارد دالانی ناشناخته کرده‌اند.

آمریکا، ساختن کلاه از نمد شکست

فشارهای گسترده نظامی به آمریکا چه از سوی طالبان و چه از سوی دیگر گروه‌های حاضر در افغانستان باعث شد تا واشنگتن نهایتاً مجبور به خروج از این کشور شود. اما آمریکا نیز در پس این شکست، تلاش کرد پیش از فرار آنچه را که می‌تواند از ساختارهای افغانستان ویران کند.

عدم آموزش و تسلیح کافی ارتش افغانستان، همانند آنچه در عراق انجام شده بود، باعث شد تا در پی حملات طالبان برخی از استان‌های افغانستان تنها در یک روز سقوط کنند. آمریکا پیش‌تر در عراق نیز چنین کاری را انجام داده بود، به گونه‌ای که ارتش ایجاد شده توسط آمریکا در عراق، طی هجوم سال ۲۰۱۴ داعش به این کشور با سرعتی باورنکردنی فروپاشید تا یک سوم عراق اشغال شده و تروریست‌ها به نزدیکی بغداد پایتخت عراق برسند. تشکیل یک ارتش تنها با استخدام سرباز، ارائه آموزش‌های ساده به چند نفر به عنوان افسر و دادن سلاح انفرادی و چند خودرو به دست آنها انجام نمی‌شود، بلکه ساختار پیچیده‌ای را نیاز دارد.

واشنگتن چنین اقدامی را در افغانستان نیز انجام داده و ضمن آن تلاش کرده تا با ایجاد ارتشی ضعیف، نیروهای جهادی مبارز با طالبان را نیز در سال‌های اشغال تضعیف کند. شمال افغانستان در چند دهه اخیر همیشه شاهد حضور نیروهای جهادی و فرماندهانی برجسته بوده است. این افراد به همراه گروه‌های پیروشان از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ به مدت یک دهه با ارتش اشغالگر شوروی دست‌وپنجه نرم کرده و پس از آن نیز ضمن حضور درگیری‌های داخلی افغانستان با طالبان نیز